پرونده

کد ۵۲۲۱
۰۹۳۵ ۲۵۶ ۹۹۰۰

چند دقیقه‌ای باید فکر کنم

محمدرضا شالبافان – اینجا خیابان امیرآباد شمالی، روبروی خیابان شانزدهم است. کوی دانشگاه علوم پزشکی تهران که احتمالاً هنوز، پس از نه سال خیلی‌ها را به یاد اتفاقات کوی دانشگاه در تیرماه ۷۸ می‌اندازد.

ساعت حدود نه است و می‌توان امیدوار بود که اهالی خوابگاه خواب نیستند و احتمالاً پس از خواب نیم‌روز و شام زودهنگام خوابگاه، آماده‌اند به خوانندگان طبیب بگویند «کی آخرین کتاب غیردرسی را خوانده‌اند؟ و نام آن کتاب چه بوده است؟»

با این هدف، در حالی که زیرچشمی به نگهبانی نگاه می‌کنم و خسته نباشید می‌گویم، خیلی سریع از ورودی کوی رد می‌شوم چون اصلاً حوصله انتظار برای آمدن دوست و پرکردن فرم مهمان و تشریفات دیگر را ندارم.

بعد از چند لحظه برانداز کردن تابلوی زیبای تبریک سال نو به دانشجویان، با یک دوست روبرو می‌شوم و پس از اندکی صحبت، در همان حیاط سؤالم را به عنوان اولین نفر از او می‌پرسم. حسین که دانشجوی پزشکی است می‌گوید: «آخرین سفر شاه» که همین روزها در حال خواندنش هستم.

وارد یکی از ساختمان‌ها می‌شوم و در حالی که به در اتاق‌ها نگاه می‌کنم، چشمم به اتاقی می‌خورد که روی درش آگهی خورده: «فیلم‌های اسکار ۲۰۰۸ و جشنواره فجر، سریال آناتومی‌گری (پربیننده‌ترین سریال پزشکی دنیا)». بی‌درنگ در این ویدئو کلوپ خوابگاهی را می‌زنم. در و دیوار اتاق پر است از پوسترهای صادق هدایت، قیصر امین‌پور، فروغ فرخزاد و حتی چگوارا. حمید که دانشجوی پزشکی است می‌گوید: «همین دیشب کتاب «زندگی آقای مایکل. ک» نوشته «جی‌ام کوتزی» برنده نوبل ادبی ۲۰۰۳ را تمام کردم».

به اتاق کناری می‌روم که تازه دارند آماده غذا خوردن می‌شوند. علی می‌گوید: «من تابستان سال قبل کتاب «خانوم» نوشته «مسعود بهنود» را خواندم و در حالی که شهاب به مغزش فشار می‌آورد، حمید اتاق قبل هم می‌آید و سر سفره آنها می‌نشیند. شهاب پس از مدتی فکر کردن، با کمک دوستانش به یاد می‌آورد که پنج سال پیش کتاب «باغ مارشال» را خوانده است. حمید با اعتماد به نفس، پاسخی را که به من داده است تکرار می‌کند و یکی از دوستانش با لبخند به او می‌گوید: «تو که تمام دیشب اینجا مشغول بگو و بخند بودی، پس کی کتاب را تمام کردی؟»

در همین فضای پر از خنده هم‌اتاقی سوم «دوقرن سکوت» اثر «عبدالحسین زرین‌کوب» را به عنوان کتابی معرفی می‌کند که سه ماه پیش خوانده است. از آنها خداحافظی می‌کنم و به سراغ ساکنان اتاق روبرویی می‌روم. بر دیوار اتاق یک پوستر تبلیغاتی و یک کلاه هواداران تیم فوتبال آث.میلان و یک پوستر گروه موسیقی متالیکا زده‌اند. حمیدرضا که دانشجوی پزشکی است در جوابم می‌گوید: «ژاک و اربابش» نوشته «میلان کوندرا» کتابی بود که شب پیش خواندم». چشمم به کتاب کامل استنشال سسیل ۲۰۰۱ می‌خورد که هم‌اکنون دو ویرایش پس از آن هم وارد بازار شده است. حمیدرضا با خنده می‌گوید: «این کتاب را هم پیدا کرده‌ام...»

محمد که دانشجوی پزشکی است در اتاق بعدی «بامداد خمار» را معرفی می‌کند که دو یا سه سال پیش خوانده است.

وارد اتاق دیگری می‌شوم که ساکنانش مرا می‌شناسند. به استقبالم می‌آیند اما تا می‌فهمند برای چه آمده‌ام، استقبالشان را پس می‌گیرند. مصطفی می‌گوید: تابستان گذشته «صد سال تنهایی» را خوانده‌ام. مهدی که او هم مانند مصطفی دانشجوی پزشکی است می‌گوید: «زمین انسان‌ها» را سه ماه پیش خوانده‌ام.

به اتاق آخر می‌رسم که از دم در تا انتهای اتاق مملو است از عکس علما، شهدا و حتی سیدحسن نصرا... . هر دو ساکن این اتاق دانشجوی پزشکی‌اند. محمدمهدی می‌گوید: «سلوک‌منتظران» کتابی بود که من قبل از عید خواندم و محمد داود هم «آشنایی با امام عصر» را که او هم آن را قبل از عید خوانده است، نام می‌برد.

از آنها خداحافظی می‌کنم و در حالی به سمت حیاط و از آنجا خارج از کوی راه می‌افتم که از میان انبوه صداهایی که در اتاق‌ها سرک می‌کشند، نوستالژی یک آهنگ رمانتیک و تلخ، مانند این روزهایم، مرا با خود همراه می‌کند:

قصه من و غم تو قصه گل و تگرگه
ترس بی‌تو زنده بودن ترس لحظه‌های مرگه

گفت‌وگو با دکتر بهرام قاضی جهانی
مترجم و ویراستار کتاب‌های علوم پزشکی

ترجمه از دیروز تا امروز

گفت‌وگو: دکتر پیام کشاورز

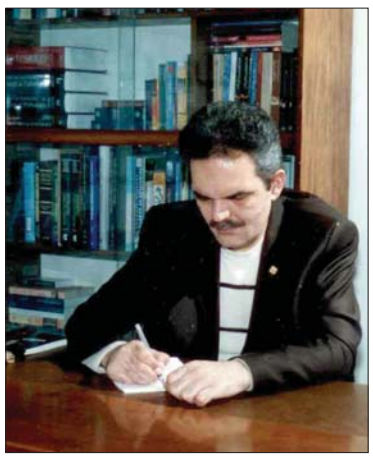

افرادی که ترجمه کتاب‌های علوم پزشکی را برعهده دارند، دانش آموختگان دانشگاه های علوم پزشکی هستند که عموما هیچ گونه اطلاعی از اصول و فنون علم ترجمه و ویرایش ندارند.

در بیشتر کتاب‌های علوم پزشکی، حتی اصول اولیه دستور زبان فارسی رعایت نمی‌شود، چه رسد به اصول پیشرفته فن ترجمه!

شاید پزشکی جزء معدود رشته‌های تخصصی کشور است که تمامی منابع معتبر آن به زبان اصلی است. این امر باعث شده تا ترجمه کتاب‌های پزشکی نقش مهمی در سهولت گسترش دانش پزشکی در بین جامعه پزشکی کشور داشته‌باشد.بر این اساس، سطح دانش پزشکی خواسته یا ناخواسته مدیون ترجمه‌های مناسب کتاب‌های این رشته است. دکتربهرام‌قاضی‌جهانی، از پیشکسوتان ترجمه و ویرایش کتاب‌های پزشکی است. او قبل از اینکه دوران پزشکی عمومی و تخصصی خود را به پایان برساند، از دوره کارورزی وارد این عرصه شده و از سال ٦٨ تاکنون، در ترجمه و ویرایش بیش از ۱۳۰ کتاب نقش داشته است.

با توجه به تجربه بالای شما در زمینه ترجمه، از نظر شما ویژگی‌های یک ترجمه مناسب چیست؟

ترجمه خوب باید از این مراحل تبعیت کند:

الف) اثری که قرار است ترجمه شود، باید در شورای علمی نشر بررسی شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و براساس نتیجه این بررسی، افراد مناسبی که از توانایی حرفه‌ای و تخصصی لازم برای ترجمه، ویرایش و نظارت اثر مورد نظر برخوردار هستند، برگزیده شوند. من تشکیل این شورا را از وظایف ناشر می‌دانم اما متأسفانه در بیشتر مراکز وجود ندارد و انتخاب افراد بدون معیارهای مورد قبول صورت می‌گیرد. در مورد آثاری که پیشنهاد ترجمه آنها از طرف مترجمی خارج از مجموعه، ارائه شده است، باز هم همین شورا می‌تواند درباره توانایی یا ناتوانی فرد اظهار نظر کند.

ب) پس از پذیرش اولیه و انتخاب اعضای گروه، باید برای هماهنگی بین مترجمان سرگروه ترجمه، ویراستاران، افراد کمکی (مانند نمونه‌خوان) و ناظران علمی به طور مرتب جلساتی برگزار شود.

پ) هیچ ترجمه‌ای بدون نظارت علمی دقیق و مطابقت کلمه به کلمه متن ترجمه با متن اصلی، کامل نیست. متأسفانه در بیشتر گروه‌ها با اعتماد به فرد مترجم، از این مرحله مهم صرف‌نظر شده و اصولاً چنین کاری غیرممکن فرض می‌شود. کسانی که چنین کاری را غیرممکن می‌دانند، به هیچ وجه نباید برای ترجمه کتاب اقدام کنند.

ت) پس از این مراحل و حتی پس از چاپ کتاب، نباید کار را تمام شده فرض کرد، بلکه باید سیستمی را طراحی کنیم تا امکان بازبینی همیشگی و اصلاح مداوم خطاهای احتمالی وجود داشته باشد، برای این کار، علاوه بر اعضای گروه می‌توان از خوانندگان نیز کمک گرفت.

مشکلات موجود در زمینه ترجمه کتاب‌های پزشکی شامل چه مواردی است؟

یکی از مشکلات اصلی ترجمه که هم‌اکنون جنبه کاملاً عینی پیدا کرده، نبود مترجمان حرفه‌ای و ویراستاران کارآزموده در زمینه کتاب‌های علوم پزشکی است. افرادی که ترجمه کتاب‌های علوم پزشکی را برعهده دارند، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های علوم پزشکی هستند که عموماً هیچ‌گونه اطلاعی از اصول و فنون علم ترجمه و ویرایش ندارند و چنین می‌پندارند که تنها با آگاهی علمی نسبی از مطالب می‌توان برای ترجمه آنها اقدام کرد. در بیشتر کتاب‌ها، حتی اصول اولیه دستور زبان فارسی رعایت نمی‌شود، چه رسد به اصول پیشرفته فن ترجمه. از سوی دیگر، نه ناشران و نه مراکز علمی دیگر، کوچک‌ترین نظارتی بر این موضوع ندارند و گاه مترجم سال‌ها غلط می‌نویسد و در کمال شگفتی، جایزه هم می‌گیرد! حالا مگر کسی جرأت می‌کند به مترجمی که مثلاً در مسابقه کتاب سال دانشجویی جایزه گرفته است، بگوید سرتاپای کارت اشکال دارد! بهتر است به جای این گونه جوایز، صاحب‌نظران و پیشکسوتان بنشینند و خطاهای جوان‌ترها را گوشزد کنند، نه اینکه با دادن جایزه سبب غرور نابجای این جوانان عزیز شوند.

یکی دیگر از مشکلات بزرگ، رعایت نشدن حقوق معنوی و مادی اثر اصلی و به قول خودمان همان کپی‌رایت است که باعث می‌شود ترجمه‌های متعددی از یک اثر منتشر شود که این موضوع بحث چشمگیری پیدا کرده است. رونویسی تعدادی از مترجمان از نسخه‌های ترجمه شده قبلی و نشر مجدد آنها در قالب کتاب‌های ترجمه، خلاصه یا گردآوری ، مسائل اخلاقی و قانونی زیادی را به وجود آورده است.نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نبود تعریف حقوقی و منطقی صحیح از مترجم و ویراستار است. در سال‌های اخیر، گاه نام افرادی را به عنوان ویراستار بر جلد کتاب‌های پزشکی دیده‌ام که حتی دیپلم متوسطه نداشته‌اند. گاهی نیز پزشکی را دیده‌ام که یک شبه ویراستار شده است، در حالی که تا روز قبل هیچ نشانی از وی در این عرصه نبوده است.

این مسائل ضرورت تعریف جایگاه مترجم و ویراستار و تعیین استانداردهای حداقل را برای این منظور خاطرنشان می‌کنند.

تجربه انجام یک ترجمه مناسب تا چه حد می‌تواند تأثیرگذار باشد؟

در مورد تأثیر تجربه بر کیفیت کار ترجمه، مهم‌ترین نکته این است که اگر تجربه از راه صحیح به دست نیامده باشد و حاصل تکرار چندباره خطاها، بدون بهره‌گیری از انتقادها و پیشنهادهای مخاطبان باشد و در سیر این تجربه مطالعه منسجمی صورت نگیرد، علاوه بر اینکه سودی ندارد باعث تحکیم باورها و دانسته‌های غلط نیز می‌شود و راه را بر دستیابی به اطلاعات درست می‌بندد، اما اگر سیر تجربه آمیخته با تحقیق و مطالعه و بازخورد گرفتن از مخاطب باشد، همواره با افزودن دانسته های جدید بر ذخیره معرفتی همراه خواهد بود.

به نظر شما ناشران کتاب‌های پزشکی چقدر می‌توانند در بهبود ترجمه نقش داشته باشند؟

به نظر من، بیشتر ناشران وظیفه خود را در قبال گروه‌های ترجمه و گردآوری و ویرایش و کلاً در مورد بخش علمی کار فراموش کرده‌اند و با برخوردی انفعالی، تنها به تجارت کتاب مشغول هستند. درست است که فعلاً در کشور ما ترجمه و ویرایش به مجوز خاصی نیاز ندارد و همه می‌توانند بدون کوچک‌ترین مطالعه و زحمت، مترجم و ویراستار شوند، اما ناشران می‌توانند با دقت در انتخاب افراد یا نظر خواستن از افراد صاحب‌نظر، تا حدودی از این روند غلط جلوگیری کنند.

اکنون حدود ده ناشر داریم که خودشان پزشک هستند و قاعدتاً اهل قلم، انتظار بسیار بیشتری از ایشان دارند. مطمئن باشید ناشر با بها دادن به این مسئله، در درازمدت به اهداف اقتصادی خود نیز بهتر از قبل دست خواهد یافت و در واقع، این کار نوعی سرمایه‌گذاری منطقی است.

تا چه اندازه وضعیت حقوقی مترجمان در کشورمان رعایت می‌شود؟

در حال حاضر، جایگاه حقوقی مترجم و ویراستار همان است که در قانون حمایت حقوق مؤلفان و... ذکر شده است. اگر بخواهیم اهل قلم پزشکی جایگاه رفیعی داشته باشند، ابتدا باید معیارهای اهل قلم بودن تعریف شده و سپس تشکلی صنفی برای این قشر تشکیل شود. از همه مهم‌تر اینکه، این عزیزان قدرت تحمل یکدیگر را داشته باشند که این آخری قدری مشکل است!

کد ۵۲۲۲
۰۹۳۵ ۲۵۶ ۹۹۰۰

و دیگر هیچ...

دکتر پیام کشاورز – دانشجوی شماره ۱؛ اینترن، نما داخلی، پاویون: اگر بتوانم کتاب‌های درسی‌ام را بخوانم، شاهکار کرده‌ام. یادش نیست آخرین کتاب غیرپزشکی‌ای که خوانده چه بوده است. خودش می‌گوید: «شاید هرگز نخوانده است و می‌خندد». بعد یادش می‌آید دو سال پیش بعضی وقت‌ها روزنامه می‌خوانده است.

رزیدنت سال دو کودکان؛ بخش NICU، در حال پند و اندرز دادن دانشجویان پزشکی برای بیشتر درس خواندن: کتاب‌های درسی دخترش، آخرین کتاب‌های غیرپزشکی‌ای است که مطالعه کرده و بعد از اینکه کمی فکر می‌کند، می‌گوید: «باید فکر کنم ببینم غیر از آن چه کتابی را خوانده‌ام، شاید فردا یادم بیاید».

اینترن شماره ۲؛ سالن Morning : به موسیقی سنتی علاقه دارد و دو روز پیش «کلیات سعدی» را شروع کرده است. وقتی از او می‌پرسم چرا این کتاب می‌گوید: «دلیل خاصی ندارد».

دانشجوی شماره ۲ ؛ استاجر داخلی، خانم: وقتی دلش می‌گیرد فروغ می‌خواند. البته نباید فکر کنیم که او عاشق است. و دانشجویی دیگر؛ خانم، دانشکده پزشکی: ترم چهار است. آخرین کتابی که خوانده «شازده کوچولو» است اما اسم نویسنده‌اش را نمی‌داند (شازده کوچولو اثر آنتوان دوسنت اگزوپری است).

شاگرد اول ورودی ۸۰ ؛ اینترن، آقا: آخرین کتابی که خوانده‌ام مربوط به دوره دبیرستان بود. نه موضوع داستان را می‌داند و نه اسم کتاب را. بلند می‌شود برود کتابخانه. کتاب هاریسون در دستش است.

رزیدنت سال یک قلب؛ سلف سرویس: «قصه‌های من و بابام» کتاب مورد علاقه پسرش است. او هم آن را خریده و گاهی برایش می‌خواند.

اینترن؛ در حال چرت زدن، سالن Morning : دوست دارد کتاب بخواند، اما وقت ندارد. چند بار کتابی را شروع کرده اما هیچ کدام را تمام نکرده است. آخرین کتابی که به طور کامل خوانده، مربوط می‌شود به یک سال پیش، اما اسم نویسنده و کتاب یادش نیست. می‌گوید چیزی بود شبیه ۱۹۸٤.

خودم؛ اینترن، در حال نوشتن این مطلب: «خداحافظ گری‌کوپر» اثر رومن گاری را برای دومین بار تمام کردم. دوست دارم وقت داشته باشم کتاب دیگری را شروع کنم.

کد ۵۲۲۳
۰۹۳۵ ۲۵۶ ۹۹۰۰

پرونده

کد ۵۲۲۵
۰۹۳۵ ۲۵۶ ۹۹۰۰

قدیمی‌ترین بازار مکاره کتاب

دکتر پیام کشاورز- «بزرگ‌ترین بازار مکاره کتاب در جهان» عنوانی است که در پنجاه سال گذشته به نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت داده شده است. شهرت و موفقیت نمایشگاه کتاب فرانکفورت نتیجه سازماندهی کامل و بی‌عیب و نقص و حاصل بیش از نیم قرن تجربه‌اندوزی سازمان‌دهندگان و نیز عدم دخالت دولت در برگزاری آن است.

پایان جنگ جهانی و آغاز دوباره نمایشگاه فرانکفورت

در دوران تسلط نازی‌ها بر آلمان، نمایشگاه کتاب برگزار نشد و فاشیست‌ها به جای آن در میدان‌های بزرگ شهرهای آلمان مراسم کتابسوزان برپا کردند. در ماه سپتامبر سال ۱۹٤۹ میلادی، ۲۰۵ناشر آلمانی در «کلیسای پاول» فرانکفورت گرد هم آمدند و با عرضه ده‌هزار عنوان کتاب، نخستین نمایشگاه کتاب را پس از جنگ برپا کردند.

موضوع ویژه در هر دوره نمایشگاه

برای اینکه تنها ملاحظات اقتصادی، معیار موفقیت نمایشگاه کتاب نباشد، به موازات ارتقای سطح فرهنگی، جاذبه نمایشگاه نیز در دستور کار قرار گرفت. در نخستین قدم تصمیم گرفتند در هفته برگزاری نمایشگاه به مسائل مهم جهان نیز بپردازند. از سال ۱۹۷٦ میلادی هر ساله موضوعی در کانون مباحث اصلی نمایشگاه قرارگرفت، نمایشگاه کتاب فرانکفورت به تدریج به «مهم‌ترین‌رویداد فرهنگی

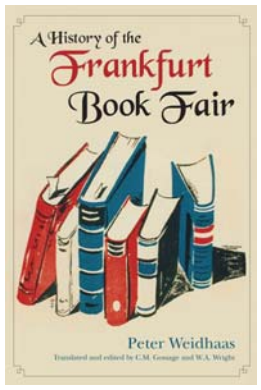

و اجتماعی سال» تبدیل شد و تا امروز نیز این جایگاه را حفظ کرده است.

در سال ۱۹۷٦ «فرهنگ و ادبیات آمریکای لاتین» به‌عنوان نخستین موضوع ویژه نمایشگاه انتخاب شد. از آن پس تا سال ۱۹۸۸ میلادی، هر دو سال یکبار موضوعی در کانون مباحث نمایشگاه فرانکفورت قرار گرفت. از سال ۱۹۸۹ میلادی، به دلیل اقبال عمومی از این ابتکار، برگزارکنندگان به‌جای هر دو سال، هر ساله موضوع یا کشوری را در مرکز مباحث نمایشگاه قرار می‌دهند.

جایزه صلح اتحادیه ناشران آلمان

در سال ۱۹۵۰ میلادی، هم‌زمان با برپایی دومین نمایشگاه کتاب، «اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان آلمان» اعلام کرد در نظر دارد هر سال هم‌زمان با هفته برگزاری نمایشگاه کتاب، طی مراسمی در «کلیسای پاول» فرانکفورت، جایزه‌ای را به نام «جایزه صلح» به شخصیتی فرهنگی ـ اجتماعی یا نهاد و سازمانی که در پیشبرد و تحقق اندیشه‌های بشردوستانه و صلح‌طلبانه و ایجاد تفاهم میان ملت‌ها مؤثر بوده است، اعطا کند.

در اساسنامه این جایزه تأکید شده است که «جایزه صلح» به شخصیتی که در قید حیات نیست نیز می‌تواند تعلق گیرد. «جایزه صلح» با مبلغ پانزده هزار یورو وجه نقدی همراه است و داوران آن را هیئتی از شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی آلمان و نیز نمایندگانی از اتحادیه ناشران تشکیل می‌دهند. پزشکان برنده این جایزه عبارتند از:

۱۹۵۱: آلبرت شوایتزر، پزشک و نویسنده شهیر که یک سال بعد نیز موفق به دریافت جایزه صلح نوبل شد.

۱۹۷۲: یانوش کورجاک، پزشک و آموزگار لهستانی که در سال ۱۹٤۲ میلادی با فداکاری و از جان گذشتگی کوشید تا صدها کودک یهودی را از مرگ نجات دهد و در این راه جان باخت. جایزه به بازماندگان او تعلق گرفت.

بحث ویژه امسال نمایشگاه کتاب فرانکفورت

پنجاه و نهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت امسال در حالی به کار خود پایان داد که میزگردهای متعددی درباره «راهبردهای تجاری نشر دیجیتال»، «کتاب‌های الکترونیکی» و«کپی‌رایت» در این مدت برگزار شد. یکی از ویژگی‌های امسال نمایشگاه کتاب فرانکفورت توجه ویژه به دیجیتالی شدن بازار نشر در کنار نقش سیاسی این نمایشگاه بود.

شماره ۳۶

کد ۵۲۲۴
۰۹۳۵ ۲۵۶ ۹۹۰۰

غدیر می نگریست

«زلال غدیر»
با خود اندیشید
پس حقیقت چیست؟
با چه معیاری توان سنجید
گوهر پاک حقیقت را
دیگر اکنون شامگاهان است
آبی ژرف کبود آسمان زنگار می‌بندد
می‌شود در انتها هر چیز زیبا در سیاهی محو
جاری پاک زلال چشمه‌سار اما
در کبود شامگاهان می‌درخشد
همچنان و می‌شکافد پرده شب را
تا کند سیراب
از زلال خود «غدیر»
لب تشنگان وادی حق را

برگرفته از: شعرنعمت آزرم

برای تهیه کتاب، CD و بسته های مربوط به خطبه غدیر با شماره ۲۲۷٤۱۱۶۷ - ۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

اصولاً نگریستن به واقعه غدیر آن هم تنها به چشم یک امر تاریخی که قرن‌ها از آن گذشته است، خلاف فهم صحیح و درست از واقعیت آن خواهد بود. زیرا روح و حقیقت غدیر عبارت است از «عصاره دعوت همه انبیا و اوصیای آنان به یکتاپرستی، حریت، عدالت، نماز، زکات، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر»، یعنی به عبارت ساده‌تر، محتوای غدیر که پیامبر اکرم (ص) از طرف خداوند در یک اجتماع ۱۲۰ هزار نفری از مسلمانان و در قالب یک سخنرانی تقریباً دو ساعته ابلاغ کرده است، مجموعه‌ای از حقایق الهی و ابدی است که تا زمانی که فجری بدمد و طلوعی باشد و روزی درآید و یا شبی فرا رسد، حقیقت آن از نظر منطق الهی باید حاکم و ناظر بر زندگی انسان‌های مؤمن و آزاده باشد.

پس چگونه می‌توان غدیر را انکار کرد و حال آنکه انکار غدیر، انکار تمام خوبی‌هاست. انکار غدیر انکار قرآن است، انکار نبوت است، انکار اسلام است.

«علایلی»، استاد و محقق معروف اهل سنت، در سخنرانی مشهور خود چنین گفته است: «من انکر الغدیر انکر الاسلام بالذات»؛ هر کس منکر غدیر شود، منکر اصل اسلام شده است.

«طبری» در کتاب خود، حدیث غدیر را از سوی افزون بر هفتاد تن از اصحاب پیامبر (ص) روایت کرده است که چندین مرتبه بالاتر از حد تواتر است.

«حافظ ابوالفرج بن جوزی حنبلی» از علمای قرن ششم می‌گوید: «علمای تاریخ و سیره اجماع کرده‌اند که واقعه غدیر، پس از بازگشت پیامبر (ص) از حجة الوداع اتفاق افتاده است و در آن روز، صد و بیست هزار نفر از اصحاب و اعراب و ساکنان مدینه و مکه با پیامبر (ص) بودند و حدیث غدیر را از آن حضرت شنیدند».

بنابراین باید موضوع غدیر را بزرگ بداریم و جامعه را به شناختن آن دعوت کنیم و برای گسترش و استواری فرهنگ آن تلاش کنیم. زیرا برای تحقق بخشیدن به «وحدت اسلامی» چاره‌ای جز شناخت واقعی غدیر و چنگ زدن به آن وجود ندارد.

آری غدیر، ولایت امیرالمؤمنین (ع) همان حبل متین و ریسمان الهی است که قرآن ما را به چنگ زدن به آن فرمان داده است تا از تفرقه و جدایی، جلوگیری شود. سخن استاد که به اینجا رسید، نفسی تازه کرد و گفت:

پس بیایید بار دیگر با هم به فرازهایی از خطابه غدیر گوش جان بسپاریم:

پیامبر (ص) فرمود: «آگاه باشید! آنکه من سرپرست اویم پس این علی، سرپرست اوست. خداوندا! دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آنکه او را دشمن دارد و یاری کن او را و تنها گذار هر آنکه او را تنها بگذارد. هان مردمان! این علی است، برادر و وصی و نگهبان دانش من و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آنچه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول ا... و فرمانروای مؤمنان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا، با پیمان‌شکنان و رویگردانان از راستی و درستی و به در رفتگان از دین پیکار کند.

خدا می‌فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد». پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می‌گویم: خداوندا! دوستداران او را دوست دار و دشمنان او را دشمن بدار. پشتیبانان او را پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. خودداری‌کنندگان از یاری‌اش را به خود رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشم خود را فرود آر. معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال و نعمت خود بر شما به اتمام رساندم و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم». پس آنکه به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نیست و در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.

خداوندا! تو را گواه می‌گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.